یادداشت

بازنگری در دهک‌بندی یارانه‌ای

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

ادامه یارانه نقدی به شکل موجود، تقریباً کارایی خود را از دست داده است و صرفاً یک رفع تکلیف برای دولت محسوب می‌شود که اگر آن را «مصیبت» ننامد، حتماً بارها برای مردم فاکتور می‌کند که ببینید چه میزان یارانه پرداخت می‌کنیم اما نمی‌گوید روزی که این یارانه متولد شد، حدود ۴۵هزار تومان معادل تقریبی ۴۵دلار بود ولی به واسطه ناتوانی مسئولان اجرایی در دولت‌های مختلف هم‌اکنون به حدود یک‌سوم یک دلار آن زمان رسیده است! پس اگر قرار است کسی شماتت شود، این مسئولان اجرایی و اقتصادی هستند که ارزش پول ملی را به قهقرا برده‌اند. فارغ از این بحث طولانی که به عنوان زخم کهنه مانده است، اصلاح یا حذف روند فعلی یارانه‌های نقدی، به یک مسئله مالی محدود نمی‌شود و آثار آن مستقیم بر قدرت خرید، سطح رفاه و احساس عدالت اجتماعی خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد. در این شرایط، بازنگری در سازوکار توزیع یارانه یک ضرورت است.

دهک‌بندی درآمدی از ابتدا با هدف شناسایی گروه‌های هدف طراحی شد و مفروض آن بر این پایه بود که دهک‌های بالاتر، برخوردار و بی‌نیاز از حمایت دولتی هستند. این رویکرد زمانی که شاخص‌ها و داده‌های اقتصادی نسبتاً پایدار بودند، منطقی به نظر می‌رسید، اما گذر زمان، نوسانات شدید اقتصادی، افزایش تورم و رشد نامتوازن دستمزدها باعث شده است فاصله میان درآمد اسمی و قدرت خرید واقعی خانوارها افزایش یابد. اکنون بسیاری از خانوارهایی که روی کاغذ در دهک‌های هشتم تا دهم قرار دارند، در عمل با مشکلات معیشتی قابل توجهی مواجهند و حذف یارانه آنان منطقی و منصفانه نیست.

پیشنهاد جدید وزارت «تعاون، کار و رفاه اجتماعی» مبنی بر سطح بندی درآمدی برای دریافت یارانه، نشان می‌دهد شکاف میان آمار رسمی و واقعیت زندگی مردم جدی است، چه آنکه دهک‌بندی فعلی، تصویری ناصحیح و یکسان از گروه‌های گسترده‌ای ارائه می‌دهد که از نظر توان مالی و ساختار هزینه متفاوتند. جمعیتی نزدیک به ۲۷ میلیون نفر در سه دهک بالایی جای می‌گیرند و بخشی از آنها اقلیت ثروتمند واقعی هستند، در حالی که اکثریت شامل مستأجران شهری و خانواده‌هایی است که با درآمدی متوسط زندگی می‌کنند و بخش عمده آن صرف هزینه‌های مسکن، درمان و آموزش می‌شود.

یکی از چالش‌های اصلی نظام دهک‌بندی، کاهش دقت در تشخیص نیاز واقعی خانوارهاست. درآمد ماهانه بدون لحاظ کردن تعداد اعضای خانوار، هزینه‌های مسکن و درمان و تفاوت‌های شهری- روستایی، معیار ناقصی برای سنجش توان مالی است. اختلاف واقعی میان یک فرد مجرد با درآمد مشخص و یک خانواده چهار نفره با همان درآمد، نیازمند سازوکاری است که بتواند این تفاوت را در سیاست‌های حمایتی لحاظ کند، بنابراین پیشنهاد جدید حرکت به سمت سطح‌بندی درآمدی تلاش برای جبران همین نقص ساختاری است و در این الگو، درآمد خانوار در کنار تعداد اعضا و شرایط زندگی سنجیده می‌شود و معیار دقیق‌تری برای دریافت یارانه ارائه می‌دهد.

سطح‌بندی درآمدی همچنین می‌تواند بخشی از بی‌عدالتی‌های ناخواسته موجود در دهک‌بندی را کاهش دهد. وقتی سیاست حمایتی صرفاً بر اساس یک عدد دهکی اجرا می‌شود، بسیاری از خانواده‌های واقعاً نیازمند حذف می‌شوند و در مقابل، برخی خانواده‌ها با توان مالی بالاتر همچنان مشمول یارانه باقی می‌مانند. اصلاح این وضعیت می‌تواند منابع محدود یارانه‌ای را به خانواده‌هایی اختصاص دهد که بیشترین نیاز را دارند و کارآمدی هزینه عمومی را افزایش دهد.

در کنار مسائل اقتصادی، بازنگری یارانه با دیگر حوزه‌های اجتماعی نیز مرتبط است. در خانواده‌هایی که فرزند معلول دارند، ضعف حمایت‌های اقتصادی، پیامدهای گسترده‌تری دارد. چنین خانواده‌هایی با هزینه‌های بالای درمان و مراقبت مواجهند و در بسیاری موارد، تصمیم به محدود کردن فرزندآوری می‌گیرند. این مسئله به کاهش نرخ باروری منجر می‌شود و اثرات بلندمدت بر ساختار جمعیتی و روند جوانی جمعیت دارد، بنابراین اصلاح یارانه‌ها و توجه دقیق به شرایط خانوارها می‌تواند پیامدهای اجتماعی و جمعیتی مهمی داشته باشد، همچنین آثار اقتصادی بازنگری یارانه فقط محدود به عدالت اجتماعی نمی‌شود. منابع یارانه‌ای محدود هستند و خطا در هدف‌گیری این منابع، فشار مضاعفی بر بودجه دولت وارد می‌کند. اختصاص یارانه به خانوارهایی که توان مالی بالاتری دارند، باعث اتلاف منابع می‌شود و از طرف دیگر، حذف یارانه از خانواده‌هایی که درآمدشان واقعاً پایین است، می‌تواند فشار اقتصادی آنان را افزایش دهد. اصلاح این نظام، رویکردی برای افزایش بهره‌وری منابع عمومی و کاهش بی‌عدالتی اقتصادی فراهم می‌آورد.

پیوند میان سیاست‌های رفاهی و سیاست‌های جمعیتی در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد. هنگامی که خانواده‌ای با فرزند معلول با فشار اقتصادی مواجه است و حمایت کافی دریافت نمی‌کند، تصمیم‌های کلان زندگی خود را تحت تأثیر این شرایط می‌گیرد، در نتیجه اصلاح یارانه‌ها و اعمال یک سطح‌بندی دقیق‌تر، می‌تواند امنیت اقتصادی این خانواده‌ها را افزایش دهد و به بهبود شاخص‌های جمعیتی کمک کند. در سطح اجرایی، اجرای سطح‌بندی درآمدی نیازمند ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی قوی است. دولت باید بتواند اطلاعات درآمدی و هزینه‌ای خانوارها را به‌روز نگه دارد و امکان راستی‌آزمایی داده‌ها را فراهم کند. بدون این زیرساخت‌ها، اصلاح صرفاً نمادین خواهد بود، بنابراین بازنگری در دهک‌بندی یارانه، اگر با دقت و برنامه‌ریزی همراه شود، می‌تواند به ارتقای کارآمدی و عدالت اقتصادی منجر شود. پذیرش این واقعیت که بسیاری از خانوارها در دهک‌های بالایی از نظر درآمدی پردرآمد محسوب نمی‌شوند، نقطه آغاز اصلاحی ضروری است.

از سوی دیگر اصلاح سازوکارهای حمایتی و جایگزینی روش‌های کلیشه‌ای با معیارهای دقیق‌تر، هم کارایی منابع را افزایش می‌دهد و هم اثرات مثبت اجتماعی ایجاد می‌کند، بنابراین باید برای هدفمند کردن یارانه‌ها، معیارهایی چندبعدی به کار گرفته شود که شامل درآمد، ترکیب خانوار، وضعیت مسکن و هزینه‌های ضروری زندگی می‌شود، البته تغییر در نظام یارانه، حساسیت عمومی زیادی دارد و اطلاع‌رسانی شفاف درباره دلایل، سازوکار و آثار اصلاح، پیش‌شرط پذیرش اجتماعی است و جامعه باید متوجه شود که هدف از اصلاح، حذف بی‌ضابطه حمایت‌ها نیست و تمرکز بر توزیع عادلانه‌تر منابع است.

با «تعارض منافع» نمی‌شود فرایند صدور کارت بازرگانی را اصلاح کرد

وزارت صمت متولی فاجعه کارت‌های بازرگانی است

نهاد ناظر باید موضوع خسارت «کارت‌های بازرگانی» نامعتبر و تخلفات این حوزه را از متولی اصلی یعنی وزارت صمت پیگیری کند

گزارش یک
هادی اسماعیلی

کارت بازرگانی، مجوزی عادی برای فعالیت اقتصادی نیست و طبعاً جایگاهی تعیین‌کننده در چرخه تجارت خارجی و مدیریت منابع ارزی کشور دارد، بنابراین موضوع شناسایی صدها کارت بازرگانی که تعهدات ارزی ناشی از فعالیت آنها ایفا نشده است، مسئله را از یک بحث تخصصی محدود خارج و به مسئله‌ای عمومی در حوزه حکمرانی اقتصادی تبدیل می‌کند، همچنین پرسش اصلی، معطوف به اشخاص استفاده‌کننده از این کارت‌ها نیست، بلکه متوجه سازوکاری است که امکان صدور و تداوم اعتبار چنین مجوزهایی را فراهم کرده است چراکه کارت بازرگانی، دسترسی مستقیم به واردات، صادرات و تعهدات ارزی ایجاد می‌کند و سهل‌انگاری در صدور آن، آثار مستقیم بر منافع عمومی برجای می‌گذارد. در این چارچوب، بازخوانی دقیق فرایند قانونی صدور کارت بازرگانی و تعیین مسئولیت نهادهای دخیل، به ویژه وزارت صنعت، معدن و تجارت، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود و نهاد ناظر باید متولی اصلی را خطاب قرار دهد.

ماده ۳ قانون مقررات صادرات و واردات، مبادرت به امر صادرات و واردات کالا به صورت تجاری را مستلزم داشتن کارت بازرگانی دانسته است، بنابراین کارت بازرگانی در نظام حقوقی کشورمان، به‌عنوان مجوز رسمی ورود به عرصه تجارت خارجی شناخته می‌شود.

این کارت، شرط لازم برای ثبت سفارش، ترخیص کالا، صادرات، واردات و ایفای تعهدات ارزی ناشی از این فعالیت‌ها محسوب می‌شود، به همین دلیل قانونگذار صدور آن را به فرایندی چندمرحله‌ای و مبتنی بر احراز صلاحیت متقاضیان مقید کرده است، با این حال رخدادهای اخیر نشان می‌دهد فاصله‌ای معنادار میان الزامات قانونی و اجرای عملی آنها ایجاد شده است.

بر اساس آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط، نقطه آغاز صدور کارت بازرگانی، ثبت درخواست در سامانه جامع تجارت است. این سامانه، به‌عنوان درگاه ملی مدیریت تجارت خارجی، تحت مدیریت وزارت صنعت، معدن و تجارت فعالیت می‌کند و محل تجمیع اطلاعات هویتی، مالیاتی، بانکی و ثبتی متقاضیان است.

در همین مرحله، فرایند اهلیت‌سنجی آغاز و استعلام‌های لازم از مراجع مختلف اخذ می‌شود و طبعاً بدون تأیید این استعلام‌ها، پرونده امکان ورود به مراحل بعدی را پیدا نمی‌کند.

پس از تکمیل بررسی‌های اولیه، وزارت صمت موظف است صلاحیت متقاضی را از منظر قانونی و اجرایی تأیید کند. این تأیید، مبتنی بر قوانین مبارزه با قاچاق کالا و ارز و مقررات مرتبط با تجارت خارجی انجام می‌شود، نکته مهم آن است که فقط در صورت صدور این تأییدیه است که پرونده به اتاق بازرگانی مربوط ارجاع می‌شود.

اتاق بازرگانی، در این مرحله، بررسی‌های تکمیلی، آزمون‌های مرتبط و تشریفات اداری نهایی را انجام می‌دهد، اما صدور کارت بدون پشتوانه تأیید وزارت صمت، فاقد اعتبار قانونی است.

این ساختار نشان می‌دهد نقش وزارت صمت در صدور کارت بازرگانی، نقشی محوری و تعیین‌کننده است. سامانه جامع تجارت، ابزار اجرایی این وزارتخانه برای اعمال نظارت پیشینی و اعتبارسنجی متقاضیان به شمار می‌رود، بنابراین هرگونه نقص یا ضعف در فرایند صدور کارت، مستقیماً به عملکرد این سامانه و تصمیمات متولی آن بازمی‌گردد.

در مقابل، بانک مرکزی در این چرخه، مسئولیتی متفاوت بر عهده دارد. وظیفه این نهاد، نظارت بر ایفای تعهدات ارزی و مدیریت جریان بازگشت ارز حاصل از صادرات است.

بانک مرکزی، صادرکننده کارت بازرگانی محسوب نمی‌شود و اختیار صدور یا تمدید آن را ندارد، با این حال گزارش‌های این بانک درباره عدم‌ایفای تعهدات ارزی، باید به عنوان هشدار جدی برای سایر دستگاه‌ها تلقی شود و زمینه اقدام فوری نهادهای مسئول را فراهم آورد. بدیهی است نمی‌توان موضوع را از متولی اصلی آن پیگیری نکرد و دیگر نهادها را مقصره جلوه داد.

طرح موضوع شناسایی صدها کارت بازرگانی فاقد ایفای تعهد ارزی و طرح پرسش‌های متعددی مبنی بر اینکه کارت‌ها در چه بازه زمانی صادر شده‌اند؟ چه میزان فعالیت تجاری انجام داده‌اند؟ چه سازوکارهایی برای پایش عملکرد آنها وجود داشته است؟ صحیح است اما پاسخ به این پرسش‌ها، بدون بررسی دقیق نقش وزارت صمت و نحوه اعمال نظارت آن، ممکن نیست.

نهاد ناظر، بر اساس اصول پذیرفته‌شده حکمرانی، وظیفه دارد پیش از آنکه تخلف به مرحله بحران برسد، مداخله کند. نظارت، به‌معنای واکنش صرف پس از وقوع تخلف تعریف نمی‌شود. کارکرد اصلی نظارت، شناسایی نقاط آسیب‌پذیر و اصلاح آنها پیش از انباشت خسارت است. وقتی پس از گذشت دو سال، حجم بالایی از کارت‌های بازرگانی فاقد ایفای تعهد ارزی شناسایی می‌شود، این وضعیت از ناکارآمدی نظارت پیشینی حکایت دارد.

در این میان، تمرکز بر اصطلاحاتی مانند «کارت بازرگانی اجاره‌ای» نمی‌تواند مسئله را به درستی تبیین کند. آنچه اهمیت دارد، فراهم شدن امکان سوءاستفاده از مجوزی است که باید با سختگیری و دقت بالا صادر شود. اگر ساختار صدور کارت به‌گونه‌ای طراحی شده باشد که افراد فاقد توان مالی یا قصد ایفای تعهدات بتوانند وارد چرخه تجارت خارجی شوند، مسئولیت آن متوجه متولیان طراحی و اجرای این ساختار خواهد بود.

وزارت صمت، به‌عنوان مرجع اصلی سیاستگذاری و اجرای فرایند صدور کارت بازرگانی، در این مقطع ناگزیر از پاسخگویی است. این پاسخگویی، باید مبتنی بر ارائه توضیحات مستند درباره نحوه صدور کارت‌ها، معیارهای اهلیت‌سنجی و سازوکارهای نظارتی باشد.

صرف تأکید بر سیستمی بودن فرایندها، بدون بررسی کارآمدی آنها، نمی‌تواند افکار عمومی و نهادهای نظارتی را قانع کند. همزمان، انتظار می‌رود نهادهای نظارتی با رویکردی فعال‌تر وارد عمل شوند.

نظارت مؤثر، مستلزم دسترسی به داده‌های دقیق، تحلیل مستمر و اقدام بموقع است. تأخیر در ورود، هزینه‌های اقتصادی و اعتباری سنگینی برای کشور به‌همراه دارد و امکان اصلاح تدریجی را از میان می‌برد، همچنین مسئله کارت‌های بازرگانی، صرفاً یک پرونده اجرایی یا اداری نیست.

این موضوع، به اعتماد عمومی نسبت به سازوکارهای اقتصادی و عدالت در دسترسی به مجوزها گره خورده است. شفافیت در فرایند صدور، تعیین دقیق مسئولیت‌ها و برخورد قاطع با نقص‌های ساختاری، می‌تواند از تکرار چنین بحران‌هایی جلوگیری کند.

اکنون که ابعاد مسئله آشکار شده است، انتظار می‌رود برخورد با ریشه‌های آن در دستور کار قرار گیرد.

اصلاح سامانه‌ها، بازنگری معیارهای اهلیت‌سنجی و تقویت نظارت پیشینی، اقداماتی است که بدون جنجال رسانه‌ای و با تکیه بر قانون، قابلیت اجرا دارد. در غیر این صورت، تداوم وضعیت موجود، صرفاً به انتقال بحران به مراحل بعدی منجر خواهد شد.

هرچند کارت بازرگانی، ابزار توسعه تجارت و رشد اقتصادی است، اما فقط زمانی می‌تواند این نقش را ایفا کند که صدور آن با دقت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری همراه باشد. تحقق این هدف، مستلزم پذیرش مسئولیت از سوی متولیان و مطالبه‌گری مستمر از سوی نهادهای ناظر است.

گفت‌وگو

سعیده زمانی

امین دلیری، تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان»:

«بودجه انقباضی» راهکاری مناسب است اما ناکافی

لایحه بودجه ۱۴۰۵ سه‌شنبه هفته گذشته به مجلس تقدیم شد. این بودجه یکی از انقباضی‌ترین بودجه‌های سال‌های اخیر محسوب می‌شود. رشد سقف بودجه کمتر از ۵درصد پیش‌بینی شده که با تورم بیش از ۴۰درصد به معنای کاهش واقعی حدود ۳۵درصد در اندازه بودجه دولت است. امین دلیری، تحلیلگر مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» انقباضی شدن بودجه را در شرایط تورم فعلی اقدامی ضروری اما ناکافی عنوان می‌کند و می‌گوید: دولت باید بدنه سنگین خود را سبک کند. وی با بیان اینکه ساختار بودجه معمولاً به گونه‌ای طراحی می‌شود که در عمل ماهیتی انبساطی پیدا کند، تأکید کرد: شرایط به گونه‌ای پیش نرود که دولت مجبور شود از اعداد و تعهدات وعده داده شده در بودجه عدول کند. نشانه‌ها حاکی است دولت لایحه‌ای به‌شدت انقباضی برای بودجه سال ۱۴۰۵ تدوین کرده است. پیش‌تر رئیس‌جمهور کسری بودجه را عامل تورم خوانده و وزیر اقتصاد نیز از صفر شدن کسری بودجه در سال پیش رو خبر داده بود. گمانه‌زنی‌ها نشان می‌دهد رشد سقف بودجه سال آینده ممکن است کمتر از ۵درصد تعیین شود؛ رقمی که در مقایسه با تورم فعلی به معنای یک انقباض واقعی در اندازه بودجه دولت خواهد بود؛ کاهشی کم‌سابقه که می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای هزینه‌های عمومی، پروژه‌های عمرانی و سیاست‌های حمایتی دولت به همراه داشته باشد.

■■■

ناترازی مالی به گرهی کور در اقتصاد تبدیل شده است. بر این اساس دولت در بودجه ۱۴۰۵ با هدف مدیریت کسری بودجه و تورم، به اصطلاح هزینه‌ها را چلانده و شاهد یکی از انقباضی‌ترین بودجه‌های سال‌های اخیر هستیم. به نظر جنابعالی بودجه انقباضی در شرایط فعلی چقدر مؤثر است و چه پیامدهایی دارد؟

دولت‌ها در شرایط تورم، ناچار هستند بودجه را انقباضی تدوین کنند و این سیاست معقولی است، اما باید توجه داشت سیاست انقباضی، اثر رکودی نیز دارد و در شرایط رکود تورمی فعلی اتخاذ سیاست‌های صحیح مشکل است. اما مهم‌ترین راهکار دولت در این شرایط، کوچک شدن اندازه دولت و سبک شدن بدنه سنگین دستگاه‌های دولتی است که بخش قابل توجهی از درآمدهای دولت، صرف هزینه‌های جاری و پرداخت حقوق و دستمزد کارمندان می‌شود. بخشی از سیاست کوچک‌سازی دولت از سال‌های گذشته آغاز شده اما باید دید چه میزان اجرایی شده است چراکه طبیعتاً مقاومت‌های زیادی برای اجرای آن می‌شود. در حال حاضر شاهد موازی‌کاری بسیاری از دستگاه‌های بودجه‌خوار هستیم و در چنین شرایطی ادغام دستگاه‌ها و حذف دستگاه‌های ناکارآمد در کاهش هزینه‌های دولت اثر جدی دارد. از سوی دیگر افزایش یارانه‌های نقدی نیز جزو مواردی است که هزینه‌های دولت را افزایش می‌دهد، با این حال این یارانه‌ها به دلیل افزایش نرخ تورم و گران شدن مداوم کالاهای اساسی ناکارآمد بوده و بیشتر موجب هدررفت منابع دولتی شده است. در واقع این یارانه‌ها نه تنها به کنترل قیمت‌ها منجر نشده بلکه در عمل باعث تشدید فشار بر دولت و کسری بودجه و جبران آن از طریق راه‌های تورم‌زا شده است، بنابراین بدون اینکه منابع جدید اختصاص دهیم، می‌شد با همان ارز ۲۸هزار و ۵۰۰ تومانی کالاهای تثبیت شده به دست مردم رساند؛ اقدامی که در دهه اول انقلاب شاهد آن بودیم و موفقیت‌آمیز بود.

تغییر ادبیات دولت از سیاست‌های انبساطی به انقباضی چه چشم‌اندازی را در شاخص‌های کلان پیش رو قرار می‌دهد؟

امروز دولت به دلایل درهم‌تنیدگی مشکلات، دچار سردرگمی است. بودجه انقباضی در شرایط تورم مؤثر است اما همان گونه که عنوان کردم باعث رکود و افزایش بیکاری می‌شود. در مجموع تأثیرات مثبت بودجه انقباضی نفی نمی‌شود اما اصلاحات دیگری هم نیاز است. اجرای سیاست انقباضی معمولاً با هزینه‌های سنگینی همراه است؛ از کاهش رشد اقتصادی گرفته تا رکود و افت اشتغال، هرچند ممکن است فشار تورمی تا حدی کاهش یابد، اما کاهش مخارج جاری و عمرانی می‌تواند بخش مولد اقتصاد را با چالش جدی مواجه کند. یکی از موارد مبهم در بودجه، وضعیت یارانه‌های نقدی است که با توجه به تورم سال آینده اگر قرار بود رقمش افزایشی می‌شد، بودجه انقباضی نبود، بنابراین این نگرانی ایجاد می‌شود که دولت مجبور شود برای تأمین منابع، از اعداد و تعهدات وعده داده شده در بودجه عدول کند (کسری بودجه نهان، آشکار شود) و در نهایت ناچار به برداشت از بانک مرکزی و در تحمیل سیاست‌های تورم‌زا شود.

بررسی جداول کلان لایحه بودجه ۱۴۰۵ نشان می‌دهد دولت در سال آینده روی جهش قابل توجه درآمدهای مالیاتی حساب باز کرده است، به‌طوری که درآمد مالیاتی خالص بدون احتساب حقوق گمرکی با افزایشی حدود ۵۰درصدی به ۲هزار و ۷۰۰هزار میلیارد تومان رسیده است. این افزایش مالیات‌ها چه اثراتی دارد؟

بله درآمدهای مالیاتی دولت در بودجه ۱۴۰۵ افزایش یافته است. این سطح از رشد درآمدهای مالیاتی در شرایطی که اقتصاد با چالش‌هایی همچون رکود تولید، کاهش قدرت خرید و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری مواجه است، چالش‌برانگیز است. بخشی از این مالیات، مالیات بر ارزش‌افزوده است که در نهایت اخذ آن در شرایط تورم فشار بیشتری بر مردم وارد می‌کند، بنابراین انتظار می‌رود در شرایط رکود تورمی، سیاستگذار به جای مالیات‌هایی که فشار را بر اقشار مردم و گروه‌های شفاف بیشتر کند، تمرکز بیشتری به مالیات بر عائدی سرمایه داشته باشد.

شناسه آگهی: ۲۰۷۶۳۸۱

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی حفاری ایران
سهامی خاص

آگهی مناقصه (نوبت اول)

مشخصات مناقصه:

نام مناقصه گزار	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ برآورد ارزی (یورو)	مبلغ تضمین
شرکت ملی حفاری ایران	۲۰۰۴۰۹۳۹۸۵۰۰۰۱۰۱۹	تعمیرات اساسی و تأمین قطعات یدکی ۲ دستگاه دراوکس نشال ۱۳۲۰	۵۶,۹۹۶,۰۰۰,۰۰۰	۶۶۵/۳۵۶	۲۹/۰۰۹/۰۰۰/۰۰۰

روش ارزیابی: بر اساس کسب حداقل امتیاز مربوط به معیارهای موجود در استعلام‌های ارزیابی کیفی که توسط متقاضیان شرکت در مناقصه تکمیل می‌شود، انجام می‌گردد. (حداقل امتیاز: ۵۰)

تحویل اسناد به شرکت: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir و اصل ضمانت‌نامه به آدرس اهواز - بلوار پاسداران بالاتر از میدان فرودگاه - شرکت ملی حفاری ایران - ساختمان بایگاه عملیاتی - طبقه اول پارت B - اتاق ۱۰۷ - دبیرخانه کمیسیون مناقصات - شماره تماس ۳۴۱۰۰۰۰۰ - ۳۴۱۴۸۵۲۲-۰۶۱

تاریخ شروع دریافت اسناد: از روز یک‌شنبه ۱۴۰۴/۱۰/۰۷ لغایت روز یک‌شنبه ۱۴۰۴/۱۰/۱۴

آخرین مهلت ارسال پاسخ استعلام: روز یک‌شنبه ۱۴۰۴/۱۰/۲۸

انواع تضامین قابل قبول: ضمانتنامه بانکی (به جزء ضمانتنامه بانک باسارگاد و سبه که مورد قبول نمی‌باشد) و یا ضمانتنامه‌های صادره از سوی موسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی اصل فیش واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران (شماره شبا IR۳۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶) و سایر تضمین‌های معتبر در آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۹ ت / ۱۲۳۴۰۲ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ مورد قبول و پذیرش می‌باشد.

مدت اعتبار پیشنهاد / تضمین: ۹۰ روز (برای یک بار در سقف مدت اعتبار اولیه قابل تمدید باشد)

کانال‌های اطلاع‌رسانی شرکت ملی حفاری ایران http://sapp.ir/nidc pr www.nidc.ir

گزارش ۲

حسام کمالی

دولت با ابزارهای مالی تازه به دنبال مهار ارز می‌رود

سیاستگذاران اقتصادی به دنبال راه‌هایی هستند که بتوانند هم آرامش را به بازار بازگردانند و هم از تکرار تجربه‌های پرهزینه گذشته، مانند تزریق بی‌ضابطه پول یا سرکوب دستوری قیمت‌ها پرهیز کنند. سخنان اخیر وزیر امور اقتصادی و دارایی درباره فعال‌سازی «ابزارهای مالی جدید» در همین چارچوب قابل تحلیل است که قرار است نقش واسطه‌ای میان دولت، بازار سرمایه و منابع مردمی ایفا کند. هدف اعلامی، هدایت پول‌های سرگردان به مسیرهای رسمی، کاهش انگیزه سفته‌بازی در بازار ارز و طلا و کمک به کنترل نوسانات بدون افزایش پایه پولی است، با این حال باید دید آیا این ابزارها می‌توانند در عمل به کمک دولت بیایند یا صرفاً به فهرست بلند وعده‌های اقتصادی افزوده خواهند شد.

■■■

استفاده از ابزارهای مالی برای مدیریت بازار ارز و طلا، موضوع تازه‌ای نیست و بارها تلاش شده است با طراحی سازوکارهای مالی، بخشی از فشار تقاضا از بازارهای غیرمولد برداشته شود. آنچه امروز این موضوع را دوباره به کانون توجه بازگردانده، ترکیب همزمان چند عامل یعنی کسری بودجه مزمن، رشد نقدینگی، انتظارات تورمی و ضعف اعتماد عمومی به سیاست‌های کوتاه‌مدت است، در چنین فضایی، وزیر امور اقتصادی و دارایی از مجموعه‌ای از ابزارها سخن گفته که قرار است در قالب بازار سرمایه و با محوریت بانک مرکزی فعال شوند. صندوق‌های ارزی، اوراق مرابحه ارزی و سپرده‌های ارزی از جمله این ابزارها به شمار می‌روند. منطق مشترک این ابزارها، فراهم کردن امکان حفظ ارزش دارایی برای مردم است، بدون آنکه خرید فیزیکی ارز یا طلا صورت گیرد. در نگاه سیاستگذار، وقتی مردم بتوانند از مسیرهای رسمی و شفاف، بازدهی متناسب با نرخ ارز یا سود مشخص دریافت کنند، انگیزه ورود مستقیم به بازارهای پرریسک کاهش پیدا می‌کند.

صندوق‌های ارزی در این میان نقش مهمی دارند. این صندوق‌ها به گونه‌ای طراحی می‌شوند که ارزش واحدهای سرمایه‌گذاری آنها متناسب با تغییرات نرخ ارز حرکت کند. به این ترتیب، فردی که نگران کاهش ارزش پول خود است، می‌تواند به جای خرید دلار در بازار آزاد، واحدهای این صندوق‌ها را خریداری کند. تفاوت اصلی در این است که تقاضا به بازار غیررسمی منتقل نمی‌شود و فشار مستقیم بر نرخ ارز وارد نخواهد شد، البته موفقیت این ابزار، به شفافیت عملکرد صندوق، نحوه مدیریت دارایی‌ها و تضمین‌های قانونی وابسته است. اوراق مرابحه ارزی نیز ابزار دیگری است که دولت و شرکت‌ها می‌توانند از آن برای تأمین مالی استفاده کنند. در این سازوکار، سرمایه‌گذار منابع خود را در اختیار ناشر اوراق قرار می‌دهد و در سررسید مشخص، اصل سرمایه به‌همراه سود توافق‌شده را دریافت می‌کند. تفاوت این اوراق با نمونه‌های ریالی در آن است که مبنای ارزش‌گذاری و بازپرداخت، ارز خارجی در نظر گرفته می‌شود. همین ویژگی، جذابیت آن را برای افرادی که به‌دنبال پوشش ریسک ارزی هستند، افزایش می‌دهد.

سپرده‌های ارزی نیز به عنوان یکی از قدیمی‌ترین ابزارهای مالی ارزی شناخته می‌شوند، اما تجربه اعتماد عمومی نسبت به این سپرده‌ها شکننده است. خاطره محدودیت‌ها در برداشت یا تغییر شرایط بازپرداخت، هنوز در ذهن بسیاری از سپرده‌گذاران باقی مانده است، از این رو بازگشت این ابزار به سبد سیاستی دولت، بدون ارائه تضمین‌های محکم و شفاف، با استقبال گسترده مواجه نخواهد شد.

دولت در کنار کنترل بازار ارز، موضوع عدالت مالیاتی و توزیع منابع را نیز در دستور کار قرار داده است. اصلاح نحوه توزیع مالیات بر ارزش افزوده و تخصیص آن به همان شهرها و روستاهایی که مالیات در آنها پرداخت شده، بخشی از همین نگاه کلان به اقتصاد است. این رویکرد نشان می‌دهد سیاستگذار به دنبال پیوندزدن ثبات اقتصادی با احساس عدالت اجتماعی است که در کاهش نارضایتی عمومی و افزایش همراهی مردم با سیاست‌های اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

در بحث کسری بودجه نیز تأکید دولت بر جلوگیری از فرار مالیاتی است و اگر منابع مالی دولت از مسیر شناسایی پایه‌های جدید مالیاتی و افزایش کارایی نظام مالیاتی تأمین شود، نیاز به استقراض یا چاپ پول کاهش پیدا می‌کند. این مسئله به‌طور مستقیم بر انتظارات تورمی اثر می‌گذارد و می‌تواند فضای روانی بازار ارز را آرام‌تر کند، با این حال نباید از موانع اجرایی غافل شد. ابزارهای مالی، هرچند در تئوری کارآمد به‌نظر می‌رسند، اما در عمل به زیرساخت‌های حقوقی، فنی و نهادی نیاز دارند. بازار سرمایه در سال‌های اخیر تجربه‌های تلخ و شیرینی را پشت سر گذاشته است. بخشی از اعتماد عمومی آسیب دیده و بازسازی آن نیازمند زمان و ثبات در تصمیم‌گیری است. اگر سیاست‌ها به‌صورت مقطعی و بدون نقشه راه مشخص اجرا شوند، ابزارهای مالی جدید نیز ممکن است سرنوشتی مشابه طرح‌های قبلی پیدا کنند.